

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ الْمَوَدَّعَةَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ الْمَوَدَّعَةَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ الْمَوَدَّعَةَ

دا ه د

دا ه ایت

وه و وق

پایان

ای یا کارنانا ار ر

و وق و و

ط ا ل اول آ دا و ا ا با و وق

(ا ا ل، و و اوصاف دادگاه و دا سان آن)

اتادرا ما: د مریدامد مرخیی

اتادشاور: د مر ن ر م زاده

وش و گارش: ز ا مرزای

۱۳۹۱هـ

قدم:

حال تلام را، ل مرند و اوج مرا ندی قدم و م ه قدس ر د
ر ت و عرف مرّ، ر لعا ن.

مان و و و و در او ار او ت و یاد را را کابد مرد و مری و وزان
سات.

مان و م و جان اسّا اری دوباره ید و میان امان را مرا مرعام
یان ارات.

مان و جان عرف و ش را مرا تلای و آدم نان مرد، ورد تاب و
ار .

مان و وزسمان وی ش آواره ارو اول و اکاروا اء آن ت
نده.

قد :

شام رن ت روارا ات رون را مای می و شان پایان رسارن ان
رسا ام تن ود. ود لازم و دام و رودای و ما از آن اساید ان رر
دا بام، وصاً ناب د مرید آمد مرغینی و ناب د مر ن ر م زاده ورا
تم درود وزا یاری ام و در اید ات را ور عال از ل ش آ ن را
هند وده و آن را مام ال زری وق و وید رارد.

چکیده:

اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی فراملی تدوین و به سازمان ملل متحد تقدیم شده است. کشورهای مختلف در مسیر جهانی شدن به ناچار باید این اصول را بپذیرند. اولین اصل از اصول مذکور، اصل استقلال و بی‌طرفی دادگاه و دادرسی می‌باشد. با توجه به نقش مؤثری که این دو اصل در دادرسی عادلانه ایفا می‌کنند، در این تحقیق با اصول دادرسی در فقه و آیین دادرسی در قوانین ایران مورد مقایسه قرار گرفتند. با در نظر گرفتن کاستی‌های قوانین ایران در این مورد، تحقیق حاضر می‌تواند زمینه‌ی اصلاح قوانین را به وجود آورد و تا حدودی خلأ ناشی از کمبود ادبیات آیین دادرسی مدنی را جبران کند. برای رسیدن به هدف مذکور، علاوه بر مطالعه‌ی باب قضا در کتب فقهی می‌بایست قوانین و مقررات ایران مورد دقت قرار می‌گرفت و در ساختار و رفتار نهاد و صاحبان حرفه‌های قضایی تأمل صورت می‌پذیرفت. از آنجایی که نظارت دادگاه عالی انتظامی قضات بر اعمال قواعد تکمیل‌کننده‌ی استقلال و بی‌طرفی قضایی، تضمین مناسبی جهت حفظ این اصول به شمار می‌رود لذا، آرای دادگاه عالی انتظامی قضات نیز مورد کنکاش واقع شد.

در فقه امامیه تضمینات مناسبی جهت حفظ استقلال و بی‌طرفی قاضی وجود دارد از جمله: اصل تسویه بین الخصمین، اصل تناظر، علنی بودن محاکمات، منع تحصیل دلیل، منع القاء مطالب، عدم حجیت علم قاضی غیر مجتهد، رسیدگی حکومت به وضع معیشت قاضی. قوانین مناسبی نیز در نظام قضایی ایران جهت حفظ استقلال قضایی وضع شده است مانند: اصل تفکیک قوا، تمرکز امور ماهیتاً قضایی در قوه‌ی قضائیه، منع مداخله و امتناع در برابر اجرای احکام قطعی محاکم، اختصاص امر استخدام و عزل و نصب قضات در قوه‌ی قضائیه، خودمختاری محاکم و دادرسان در اعمال صلاحیت حرفه‌ای، دوره‌ی تصدی و نظام ارتقاء شغلی مناسب برای دادرسان. با این وجود برخی امور زمینه‌ی ایجاد خدشه و تعرض به استقلال و بی‌طرفی را فراهم می‌آورد به عنوان نمونه: قابل اعتراض بودن آرای قطعی محاکم توسط مقامات عالی رتبه‌ی قضایی. بسیاری از قوانین و مقررات جهت تضمین بی‌طرفی تدوین شده‌اند مانند: استخدام و گزینش قضات وفق قانون، محصور بودن ادله‌ی اثبات دعوا، قاعده‌ی منع تحصیل دلیل، موارد ردّ دادرسی، مقررات مربوط به شکایت از آراء. تضمینات مقرر در اصل اول آیین دادرسی مدنی فراملی جهت حفظ استقلال و بی‌طرفی دادگاه و دادرسان آن عبارتند از: استقلال نهاد قضایی از سایر قوا، استقلال دادگاه و اعضای آن از نهاد قضایی و سایر قضات و طرفین اختلاف، تأمین امنیت شغلی قضات، رسیدگی عادلانه و کارآمد نسبت به تخلفات قضات، بی‌طرفی اعضای دخیل در صدور رأی، اصل تناظر، آشنایی قضات به مسائل روز حقوقی. نظام حقوقی ایران در زمینه‌ی اصل استقلال و بی‌طرفی نواقص و کاستی‌هایی دارد با این وجود اصل اول آیین دادرسی مدنی فراملی با آن و اصول دادرسی اسلام مطابقت دارد.

کلمات کلیدی: اصل استقلال، اصل بی‌طرفی، دادگاه، دادرسی، دادرسی مدنی.

صفحه	فهرست مطالب
۱	طرح تحقیق
۲	تبیین موضوع
۳	ضرورت و اهداف تحقیق
۳	پیشینه‌ی تحقیق
۴	نوع تحقیق
۴	سؤالات
۵	فرضیات
۵	سازمان دهی
۶	۱- فصل اول: استقلال دادگاه و دادرسی
۸	۱-۱- بخش اول: استقلال قضایی و ویژگی‌های آن
۸	۱-۱-۱- مفاهیم
۹	۱-۱-۱-۱- آیین دادرسی مدنی فراملی
۱۱	۱-۱-۱-۲- اصول آیین دادرسی مدنی فراملی
۱۱	۱-۱-۱-۲-۱- ویژگی‌های اصول دادرسی
۱۴	۱-۱-۱-۲-۲- تفاوت اصول با تشریفات
۱۶	۱-۱-۱-۳- استقلال
۱۶	۱-۱-۱-۴- بی طرفی
۱۶	۱-۱-۱-۵- تفاوت استقلال با بی طرفی
۱۷	۱-۱-۱-۶- دادگاه

- ۴۲ ۱-۱-۴-۵-۱- قانون اساسی
- ۴۳ ۱-۱-۴-۵-۲- قوانین عادی
- ۴۶ ۲-۱- بخش دوم: عوامل استقلال قضایی
- ۴۶ ۱-۲-۱ عوامل ساختاری استقلال نهاد قضایی
- ۴۷ ۱-۱-۲-۱- نهادهای قضایی و عوامل ساختاری ناظر بر آن
- ۴۷ ۱-۱-۱-۲-۱- نهادهای قضایی مشمول عوامل ساختاری
- ۴۹ ۱-۲-۱-۱-۲-۱- عوامل ساختاری ناظر بر نهادهای قضایی
- ۴۹ ۱-۲-۱-۱-۲-۱- عوامل اساسی
- ۴۹ ۱-۱-۲-۱-۱-۲-۱- تأسیس و تعیین صلاحیت قانونی
- ۵۱ ۱-۲-۱-۱-۲-۱-۲- استقلال اداری و مالی
- ۵۳ ۱-۲-۱-۱-۲-۱- عوامل جانبی
- ۵۳ ۱-۲-۱-۱-۲-۱- الزام آور بودن احکام قضایی
- ۵۵ ۱-۲-۱-۱-۲-۱- لزوم قضایی بودن ترکیب محکمه
- ۵۶ ۲-۲-۱- عوامل ساختاری استقلال قضات
- ۵۶ ۱-۲-۲-۱- عوامل ساختاری مرحله‌ی انتخاب و گزینش
- ۵۷ ۱-۱-۲-۲-۱- عامل انتصاب و گزینش
- ۵۸ ۲-۱-۲-۲-۱- آیین انتصاب و گزینش
- ۵۸ ۲-۲-۲-۱- عوامل ساختاری مرحله‌ی انجام وظیفه
- ۵۸ ۱-۲-۲-۲-۱- امنیت دوره‌ی تصدی
- 61 ۲-۲-۲-۲-۱- نظام ارتقاء شغلی
- ۶۲ ۳-۲-۱ عوامل رفتاری استقلال قضایی
- ۶۳ ۱-۲-۲-۱- عوامل رویه‌ای
- ۶۳ ۱-۱-۲-۲-۱- خود مختاری در اعمال صلاحیت

- ۶۳ ۱-۲-۲-۱-۱-۱-۱-۱- خود مختاری نهاد قضایی
- ۶۵ ۱-۲-۲-۱-۱-۱-۲-۱- خود مختاری قضات
- ۶۶ ۱-۲-۲-۱-۲-۱-۲-۱- حقوق و تکالیف قضات
- ۶۶ ۱-۲-۲-۱-۲-۱-۱-۲- بهره‌مندی از حقوق اساسی
- ۶۷ ۱-۲-۲-۱-۲-۱-۱-۱- آزادی بیان و ایجاد تشکّل حرفه‌ای
- ۶۷ ۱-۲-۲-۱-۲-۱-۲-۱- امنیت
- ۶۸ ۱-۲-۲-۱-۲-۲-۱-۲-۱- پاسخ‌گویی
- ۶۸ ۱-۲-۲-۱-۲-۲-۱-۱- لزوم پاسخ‌گویی
- ۷۰ ۱-۲-۲-۱-۲-۲-۲-۱- نحوه‌ی پاسخ‌گویی
- ۷۱ ۱-۲-۲-۲-۱- شاخص‌های رفتاری استقلال قضایی
- ۷۱ ۱-۲-۲-۲-۱- عوامل شخصی
- ۷۱ ۱-۲-۲-۲-۱-۱- سلامت اخلاقی
- ۷۲ ۱-۲-۲-۲-۲-۲-۱- شایستگی علمی
- ۷۴ ۱-۲-۲-۲-۲-۱- عوامل حرفه‌ای
- ۷۵ ۱-۲-۲-۲-۲-۱- حفظ برابری
- ۷۶ ۱-۲-۲-۲-۲-۲-۱- حفظ نزاکت حرفه‌ای
- ۷۸ ۲- فصل دوّم: بی‌طرفی دادگاه و دادرس
- ۷۹ ۲-۱- بخش اوّل: بی‌طرفی قضایی و مبنای آن
- ۸۰ ۲-۱-۱- واژه شناسی
- ۸۰ ۲-۱-۱-۱- بی‌طرفی در لغت و اصطلاح
- ۸۱ ۲-۱-۱-۲- جایگاه بی‌طرفی در فقه امامیه
- ۸۲ ۲-۱-۱-۳- ملاک بی‌طرفی

- ۸۴ ۲-۱-۲- مبنای بی طرفی
- ۸۵ ۱-۲-۱-۲- مبانی اجتماعی
- ۸۵ ۱-۲-۱-۲- حفظ اعتبار دادگستری
- ۸۶ ۲-۱-۲-۱-۲- حفظ نظم و امنیت
- ۸۸ ۲-۲-۱-۲- مبانی عقلی
- ۸۸ ۱-۲-۲-۱-۲- حق طبیعی برخورداری از دادرسی عادلانه
- ۸۹ ۲-۲-۲-۱-۲- اصل حاکمیت اراده
- ۹۰ ۳-۱-۲- ارتباط اصل بی طرفی با سایر اصول دادرسی
- ۹۰ ۱-۳-۱-۲- ارتباط اصل بی طرفی با اصل تناظر
- ۹۰ ۱-۳-۱-۲- مفهوم و دامنه‌ی اصل تناظر
- ۹۱ ۲-۱-۳-۱-۲- جایگاه اصل تناظر در قانون و فقه
- ۹۵ ۲-۳-۱-۲- ارتباط اصل بی طرفی با اصل تسلیط
- ۹۹ ۴-۱-۲- دامنه‌ی اصل بی طرفی
- ۹۹ ۱-۴-۱-۲- اطلاق اصل بی طرفی
- ۱۰۰ ۲-۴-۱-۲- تعلیق پذیری تضمینات اصل بی طرفی
- ۱۰۰ ۱-۲-۴-۱-۲- علم دادرسی
- ۱۰۱ ۱-۲-۴-۱-۲- جایگاه علم دادرسی در فقه
- ۱۰۳ ۲-۱-۲-۴-۱-۲- جایگاه علم دادرسی در قوانین
- ۱۰۶ ۲-۲-۴-۱-۲- کشف حقیقت
- ۱۱۰ ۲-۲- بخش دوم: مقررات تضمین کننده‌ی اصل بی طرفی
- ۱۱۰ ۱-۲-۲- مقررات مربوط به سازمان قضای

- ۱۱۰ - ۱-۱-۲-۲ مقررات مربوط به تشکیل دادگاهها
- ۱۱۰ - ۱-۱-۱-۲-۲ صلاحیت دادگاهها
- ۱۱۲ - ۲-۱-۱-۲-۲ دیوان عالی کشور
- ۱۱۳ - ۳-۱-۱-۲-۲ مراجع انتظامی قضات
- ۱۱۳ - ۲-۱-۲-۲ مقررات مربوط به گزینش دادرسان
- ۱۱۴ - ۱-۲-۱-۲-۲ شرایط استخدام دادرس در فقه امامیه
- ۱۱۶ - ۲-۲-۱-۲-۲ شرایط استخدام دادرس در حقوق ایران
- ۱۱۶ - ۱-۲-۲-۱-۲-۲ تحولات شرایط استخدام دادرس
- ۱۱۸ - ۲-۲-۲-۱-۲-۲ قاعده‌ی منع تغییر دادرس
- ۱۱۹ - ۲-۲-۲ مقررات مربوط به ادله‌ی اثبات دعوا
- ۱۲۰ - ۱-۲-۲-۲ ارزش اثباتی ادله‌ی اثبات
- ۱۲۲ - ۲-۲-۲-۲ منع تحصیل دلیل
- ۱۲۴ - ۳-۲-۲ مقررات مربوط به کیفیت دادرسی
- ۱۲۵ - ۱-۳-۲-۲ علنی بودن دادرسی
- ۱۲۶ - ۲-۳-۲-۲ دو درجه‌ای بودن رسیدگی‌ها
- ۱۳۰ - ۳-۳-۲-۲ لزوم مستدل و مستند بودن آراء
- ۱۳۲ - ۴-۳-۲-۲ موارد ردّ دادرس
- ۱۳۶ - ۴-۲-۲ مقررات مربوط به شکایت از آراء
- ۱۳۶ - ۱-۴-۲-۲ مقررات مربوط به نقض رأی
- ۱۳۶ - ۱-۱-۴-۲-۲ نقض رأی در مرحله‌ی تجدید نظر
- ۱۳۸ - ۲-۱-۴-۲-۲ نقض رأی در مرحله‌ی فرجام‌خواهی
- ۱۴۰ - ۳-۱-۴-۲-۲ جایگاه نقض رأی در فقه امامیه

۱۴۲	۲-۲-۴-۲- مقررآت مربوط به تخلفات دادرس	
۱۴۲	۲-۲-۴-۲-۱- مسئولیت انتظامی	
۱۴۴	۲-۲-۴-۲-۲- مسئولیت کیفری	
۱۴۵	۲-۲-۴-۲-۳- مسئولیت مدنی	
۱۵۲		نتیجه گیری
۱۵۴		پیشنهادات
۱۵۵		منابع و مأخذ

طرح تحقیق

تبیین موضوع

مؤسسه‌ی حقوق آمریکا^۱ با همکاری مؤسسه‌ی بین‌المللی یکنواخت سازی حقوق خصوصی^۲، مجموعه‌ای را با عنوان اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی فراملی، جهت تبدیل شدن به کنوانسیون در آینده، به سازمان ملل متحد پیشنهاد نموده‌اند؛ در آن تلاش شده است، استانداردهای دادرسی لازم‌الرعایه در تمامی شیوه‌های حلّ و فصل اختلافات که مورد قبول و احترام تمامی نظام‌های مدرن حقوقی هستند، جمع‌آوری شود.

اصول فوق‌الذکر این توان بالقوه‌ی را دارند که، پیشرفت بی‌مانندی در نظام‌های حقوقی دنیا و آیین دادرسی آن‌ها فراهم آورند؛ و به منزله‌ی معیارهای حداقلی قضاوت در دعاوی بازرگانی بین‌المللی محسوب شوند که در عین حال، شایستگی استفاده برای حلّ و فصل سایر اقسام دعاوی مدنی را نیز دارند. علاوه بر آن، این اصول الگویی مناسب برای قانون‌گذاری‌های ملی جهت اصلاح نظام‌های داخلی در زمینه‌ی آیین دادرسی مدنی به شمار می‌روند. کشورهای مختلف در مسیر جهانی شدن به ناچار باید این اصول را بپذیرند. نخستین اصل این مجموعه با عنوان «استقلال، بی‌طرفی و اوصاف دادگاه و دادرسان آن» می‌باشد که در این تحقیق، با اصول دادرسی در فقه و آیین دادرسی در قوانین ایران مورد مقایسه قرار گرفت تا مواضع اشتراک و اختلاف آن‌ها مشخص گردد و در ادامه راهکارهایی جهت رفع اختلافات ارائه شود. این اصل دارای ۵ بند به قرار ذیل می‌باشد:

۱ دادگاه و دادرسان در رسیدگی به دعوا بر اساس امور موضوعی و حکمی آن، دارای استقلال قضایی هستند. دوری از هرگونه اعمال نفوذ ناروا، اعم از داخلی و خارجی، نمونه‌ای از این استقلال است.

۲ دادرسان باید از دوره‌ی تصدّی متعارفی برخوردار باشند. اعضای غیرحرفه‌ای دادگاه باید به شیوه‌ای انتخاب شوند که استقلال آن‌ها از اصحاب دعوی، اختلاف و سایر اشخاص ذی‌نفع در دعوا تضمین شود.

۳ دادگاه باید بی‌طرف باشد. دادرس یا هر شخص دیگری که دارای اختیار تصمیم‌گیری است، در صورت وجود جهات متعارف برای ظنّ به بی‌طرفی آنان، باید از رسیدگی به دعوا امتناع کند. برای رسیدگی به شکایات مربوط به تخلفات قضایی دادرسان، باید شیوه‌ی رسیدگی عادلانه و کارآمدی وجود داشته باشد.

¹ - American Law Institute(ALI)

²- Institut international pour unification du droit prive (UNIDROIT) international Institute for the Unification of private law (UNIDROIT).

۴ دادگاه یا دادرس نباید هیچ گونه اطلاعات مربوط به دعوا را که، یک طرف در غیاب طرف دیگر ارائه نموده است بپذیرد؛ مگر این که اطلاعات مربوط به دادرسی غیر متناظری و بی-تیز از اطلاع یا امور اداری دادگاه باشد. در صورت وصول اطلاعاتی از این دست دادگاه مکلف است، طرف دیگر را بلافاصله از مفاد آن آگاه نماید.

۵ دادگاه باید از دانش و تجربه‌ی حقوقی قابل توجهی برخوردار باشد.

ضرورت و اهداف تحقیق:

بررسی اصل اول آیین دادرسی مدنی فراملی برای بازنگری نظام عدالت مدنی ایران مفید خواهد بود؛ بلکه می‌تواند خمیر مایه‌ی اولیّه‌ی تحقیقات بعدی در این زمینه را فراهم و تا حدودی خلأ ناشی از کمبود ادبیات آیین دادرسی مدنی را جبران کند؛ و بستر را برای پذیرش اولین اصل از این اصول را فراهم آورد.

با توجه به این که اصول مذکور با در نظر گرفتن تمامی نظام‌های حقوقی، تدوین شده‌اند و کشورهای مختلف در مسیر جهانی شدن به ناچار باید این اصول و قواعد را بپذیرند؛ و با عنایت به این که، فقه امامیه مهم‌ترین و اصلی‌ترین منبع حقوق ایران به شمار می‌رود، سعی شد ابعاد مفهومی اصل استقلال و بی‌طرفی روشن گردد سپس، ملاک‌ها و تضمینات مطرح شده در اصل اول آیین دادرسی مدنی فراملی، با فقه و حقوق ایران مقایسه گردیده و راهکار مناسب برای هماهنگی هرچه بیشتر حقوق ایران با اصول مذکور ارائه شد.

پیشینه‌ی تحقیق:

با در نظر گرفتن این امر که، اصول آیین دادرسی مدنی فراملی در سال‌های اخیر، تدوین شده است تا کنون، اثری که به نحو اختصاص به بررسی مطالعه‌ی تطبیقی اصل اول آن با فقه و حقوق ایران پرداخته باشد به چشم نمی‌خورد. علاوه بر آن، حتی اثری که مستقلاً و به طور اختصاصی، اصل استقلال یا اصل بی‌طرفی را مورد بررسی قرار داده باشد مشاهده نگردید. در برخی کتب فقهی، در بحث قضا و تحت عنوان آداب القضاء مطالبی در خصوص تضمین‌هایی جهت حفظ استقلال و بی‌طرفی دادگاه و دادرس به چشم می‌خورد از جمله‌ی، «آداب القاضی» و «احکام السلطانیّه» تألیف ابوالحسن علی بن محمد حبیب الماوردی بصری شافعی متوفی به سال ۴۵۰ ه. ق. اشاره کرد. وی از نزدیکان وزرا بوده، در نتیجه تألیفاتش تحت تأثیر حکوت بوده است به همین دلیل

به صورت نظریه پردازی آزاد و مستقل عمل نکرده است. فقیهان امامیه نیز در ضمن مجموعه‌های فقهی به آداب قضا پرداخته‌اند، مثلاً: ابن بابویه در من لایحضره الفقیه، شیخ مفید در المقنعه، شیخ طوسی در المبسوط و ابن ادریس در السرائر، باب‌هایی را با عنوان ادب القاضی یا آداب القضاء یا ادب القضاء گشوده‌اند. هر چند کتاب‌های نام برده شده به مثابه‌ی قانونی کلاسیک و فقهی در طول تاریخ اعتبار خود را حفظ کرده اند ولی، به فروع و جزئیات فراوانی که امروزه در زمینه‌ی دادرسی مورد نیاز محققین است نپرداخته‌اند. در تعدادی از کتب استقلال و بی‌طرفی محاکم و دادرسان به صورت گذرا مدّ نظر قرار گرفته و از طرح تفصیلی آن‌ها اجتناب گردیده است. شاید، علّت این رویکرد آن باشد که، این اصول به عنوان یک اصل بنیادین بدیهی جلوه می‌کنند و طرح استدلال زیادی را خواهان نیست، از جمله‌ی این کتب می‌توان به کتاب «دادرسی عادلانه» ترجمه‌ی فریده طه و لیلا اشراقی و نیز «دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین المللی» اثر مصطفی فضائی اشاره نمود. کتاب «اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی فراملی» تألیف مجید پور استاد و هم‌چنین «آیین دادرسی مدنی فراملی» تألیف مجید غمامی و حسن محسنی به ترجمه و شرح مختصری از اصول آیین دادرسی مدنی فراملی پرداخته‌اند.

نوع تحقیق:

نوع تحقیق بنیادین، روش تحقیق توصیفی- تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای از طریق بررسی مقالات، کتب و فضای مجازی موجود در این زمینه به دست آمد.

سؤال اصلی:

۱- با توجه به تضمینات مقرر در اصل اول آیین دادرسی مدنی فراملی برای حفظ استقلال و بی‌طرفی دادگاه و دادرس، چه تضمیناتی در فقه و حقوق ایران اندیشیده شده است؟

سوالات فرعی:

- ۱- تضمین‌های استقلال قضایی در فقه و حقوق چیست؟
- ۲- در هنگام تعارض اصول دادرسی ملاک عمل چیست؟
- ۳- حقوق ایران چگونه در کنار پذیرش اصل تفکیک قوا، اصل ولایت فقیه را مورد پذیرش قرار داده است؟

فرضیه‌ی اصلی:

موارد مقرر در اصل اوّل آیین دادرسی مدنی فراملی جهت تضمین استقلال و بی‌طرفی دادگاه و دادرسی، در فقه و حقوق ایران نیز مورد شناسایی قرار گرفته است.

فرضیات فرعی:

۱- استقلال قضایی دارای معیارهای تضمین‌کننده‌ی متعددی است که مانع از مداخله و اعمال نفوذ بخش‌های قدرت‌مدار جامعه و حکومت در امور قضایی می‌شود. بسیاری از این معیارها در نظام قضایی ایران مورد شناسایی قرار گرفته‌اند، ولی هم‌چنان در برخی قوانین، و تشکیلات قضایی شاهد کاستی‌هایی جهت تحقق استقلال قضایی هستیم. در فقه امامیه نیز برای حفظ و تضمین استقلال و بی‌طرفی قضایی معیارهایی ارائه گردیده است.

۲- هدف اصول دادرسی اجرای عدالت می‌باشد؛ به همین جهت هنگام تعارض این اصول باید مصلحت مهم‌تر را در نظر گرفت و به اصل با اهمّیت‌تر عمل نمود.

۳- حقوق ایران با قبول اصل ولایت فقیه، اصل تعادل قوا را جایگزین اصل تفکیک قوا قرار داده است.

سازماندهی تحقیق

تحقیق حاضر در دو فصل ارائه گردیده که هر کدام دو بخش و هر بخش؛ چندین مبحث در بر دارد.

فصل اوّل مربوط به اصل استقلال دادگاه و دادرسی می‌باشد. در بخش اوّل واژه‌های کلیدی تحقیق، ویژگی‌های اصل استقلال قضایی، پیشینه‌ی اصل مذکور و رابطه‌ی آن با سایر اصول دادرسی تبیین گردید. در بخش دوّم معیارهای ساختاری و رفتاری ناظر بر استقلال قضایی مورد بحث قرار گرفت.

فصل دوّم در رابطه با اصل بی‌طرفی دادگاه و دادرسی است. در بخش اوّل ملاک، مبانی و استثنائات اصل بی‌طرفی قضایی بیان شد. در بخش دوّم آن دسته از مقررات مربوط به سازمان قضایی، ادله‌ی اثبات دعوا، کیفیت دادرسی و شکایت از دادرسان که نقش بسزایی در تأمین و حفظ بی‌طرفی قضایی دارند بررسی شدند.

فصل اول:

استقلال

دادگاه و دادرس

حقّ برخورداری از محکمه‌ای مستقل از جمله اصول و معیارهای دادرسی عادلانه می‌باشد. امروزه، استقلال قضایی و معیارهای تضمین‌کننده‌ی آن در اسناد و کمیسیون‌های متعدد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر مورد شناسایی و تأکید قرار گرفته است. اهمیت توجه به این مقوله از آن روست که، دادگستری به لحاظ اقتدار اجباری و قاهرانه‌ی خود همواره در معرض سوء استفاده‌ی اربابان قدرت قرار داشته است و قابلیت اعمال اراده‌ی قدرت سیاسی بر شهروندان یک جامعه را دارا می‌باشد. در چنین حالتی عدالت قضایی، فدای مصلحت سیاسی می‌گردد.

در یک رسیدگی قضایی، اعمال مداخله، کنترل و نفوذ از سوی قوای مقننه و مجریه و مقامات عالی رتبه‌ی حاکم بر دستگاه قضایی و هم‌چنین گروه‌ها و بخش‌های ذی‌نفوذ و قدرتمندان جامعه از اهمیت بسزایی برخوردار است. تضمین استقلال قضایی موجب جلب اعتماد افکار عمومی جامعه، نسبت به تحقق عدالت و در نتیجه، نسبت به دادرسی قضایی خواهد شد.

وجود قواعدی چون اصل تفکیک قوا و تمرکز امور ماهیتاً قضایی در قوه‌ی قضائیه، منع مداخله در رسیدگی‌های قضایی، تعیین مجازات برای امتناع از اجرای احکام قضایی، امر استخدام و عزل و نصب قضات در قوه‌ی قضائیه، خود مختاری نهاد قضایی و دادرسان در اعمال صلاحیت و نیز دوره‌ی تصدّی و نظام ارتقاء شغلی مناسب برای دادرسان و بسیاری از موارد دیگر، همگی جهت تضمین استقلال قضایی، مهمّ و اساسی می‌باشند.

بدیهی است که جز با شناخت هر چه بیشتر ظرفیت‌ها و کاستی‌ها در خصوص تضمین استقلال قضایی نمی‌توان زمینه‌های علمی و عملی را جهت ارتقاء بیشتر رسیدگی عادلانه فراهم نمود. بر این اساس در فصل حاضر جهت رسیدن به ارزیابی و شناخت واقع‌بینانه در خصوص استقلال قضایی مفهوم، ویژگی‌ها و پیشینه‌ی استقلال قضایی مورد توجه می‌باشد. سپس جهت شناسایی معیارهای ساختاری و رفتاری تضمین‌کننده‌ی استقلال قضایی در قوانین و مقررات و ساختار تشکیلاتی نظام قضایی، و متون فقهی به جست و جو پرداخته می‌شود.

برای دسترسی وسیع به نظام قضایی بایستی، قوانین و مقررات موضوعه را مورد بررسی و دقّت قرار داده و در ساختار تشکیلاتی و سازمانی و رفتاری و نحوه‌ی عملکرد نهاد قضایی و دادرسان تأمل نمود. از این رو دقّت در قانون اساسی، قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، قانون آیین دادرسی مدنی، قانون مجازات اسلامی، قوانین مربوط به شرایط و نحوه‌ی گزینش و استخدام دادرسان، قوانین مربوط به تأسیس و نحوه‌ی عملکرد نهاد قضایی و ساختار سازمانی آن و تعداد بسیاری دیگر از قوانین، مقررات و نهاد قضایی موجود در کشور مورد توجه است.

علاوه بر این، از آنجایی که نظارت دادگاه عالی انتظامی قضات بر اعمال قواعد تکمیل کننده‌ی استقلال قضایی از ناحیه‌ی نهاد و مقامات قضایی، تضمین مناسبی برای حفظ استقلال قضایی به شمار می‌رود؛ لذا آرای دادگاه عالی انتظامی قضات نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

با وجود اهمیت فراوانی که استقلال قضایی دارد، و با وجود تأکیدهای بسیار در حقوق اسلامی در مورد آن، اصول و قواعد مناسبی در قوانین و مقررات داخلی جهت تضمین آن وجود دارد ولی، هم چنان شاهد وجود خلأهای قانونی هستیم. این نواقص و کاستی‌ها، موجب در پیش گرفتن رویه‌ها و اقداماتی از سوی نهاد قضایی و دادرسان می‌شود، که زمینه‌ی نقض استقلال قضایی را فراهم می‌آورد.

مواردی چون قابل اعتراض بودن آرای قطعی دادگاه‌ها توسط مقامات عالی رتبه‌ی قضایی، زمینه‌های ایجاد خدشه و تعرض به استقلال قضایی را فراهم می‌آوردند.

۱-۱- استقلال قضایی و ویژگی‌های آن

جهت تبیین مفهوم استقلال قضایی در ابتدا، واژه‌ی استقلال به همراه سایر کلمات کلیدی از حیث لغوی تبیین می‌گردد. در ادامه تلاش می‌شود با مشخص ساختن ویژگی‌های استقلال قضایی و ابعاد مفهومی آن تعریفی جامع از مفهوم اصطلاحی استقلال قضایی ارائه می‌گردد. سپس ارتباط بین استقلال قضایی و سایر اصول دادرسی من جمله، اصل بی‌طرفی و اصل تفکیک قوا مورد بررسی واقع می‌شود. علاوه بر آن پیشینه‌ی استقلال قضایی در حقوق و فقه تبیین می‌گردد تا جایگاه آن به درستی مشخص شود. اگر مطلبی در ارتباط با مباحث مطرح شده در اصول آیین دادرسی مدنی فراموشی مشاهده شود برای مطالعه‌ی تطبیقی بیان خواهد شد.

۱-۱-۱- مفاهیم

عبارات: آیین دادرسی مدنی فرامشی، اصول آیین دادرسی مدنی فرامشی، اصل استقلال، اصل بی‌طرفی، دادگاه، دادرسی تبیین می‌گردد تا قبل از ورود به مباحث اصلی، منظور از عنوان رساله دقیقاً مشخص گردد.